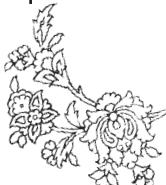


مقدرات آسمانی در بهمن نامه

مرضیه ندafi^۱، سید احمد حسینی کازرونی^۲

شمس الحاجیه اردلانی^۳ داود یحیایی^۴



تاریخ دریافت: ۹۴/۰۸/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۰۲

چکیده

مقاله حاضر به بررسی یکی از اندیشه‌های آیین زروانی در متن حمامی «بهمن نامه» اثر ایرانشان (ایرانشاه) بن ابوالخیر می‌پردازد. دین زروان، خدای زمان از آیین‌های رایج ایران باستان است که فلسفه و اندیشه‌های آن در متون فارسی به ویژه متن‌های حمامی، بازتاب گسترده‌ای داشته است. در این پژوهش، با استفاده از تحلیل محتوایی، بازتاب اندیشه‌ی مقدرات آسمانی و تأثیر آن بر سرنوشت و تقدیر مورد کنکاش قرار گرفته است.

با بررسی محتوایی «بهمن نامه» این نتیجه حاصل می‌گردد که آسمان به عنوان جایگاه زروان، با چرخش و حرکت خود و ستارگان، اراده و خواست زروان را بر انسان جاری می‌سازد. نتیجه‌ی این حرکت آسمان، بخت و سرنوشتی است که از آن هیچ راه گریزی نیست و باید به اجبار آن را پذیرفت. بحث‌هایی چون قداست آسمان و ستارگان، سوگند یاد کردن به نامشان، ستاره‌شناسی و طالع بینی، از دیگر بحث‌های مرتبط با آسمان هستند که به خوبی در بهمن نامه منعکس شده است.

کلید واژه‌ها: زروان، آسمان، بخت، ستاره‌شناسی، بهمن نامه.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، بوشهر، ایران. nadafi_88@yahoo.com

۲- استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، بوشهر، ایران. sahkazerooni@yahoo.com

۳- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، بوشهر، ایران. sabooy_teshne00@yahoo.com

۴- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، بوشهر، ایران. dyahyaei@yahoo.com

مقدمه

پژوهش‌گران در باره‌ی آیین زروانی و فلسفه و اندیشه‌ی آن بسیار نوشته‌اند. اما نکته‌ای که به آن کمتر توجه شده است، اثر پذیری شاعران از این فرهنگ کهن ایرانی است. از اصول مهم آیین زروانی، بحث‌هایی چون زمان، نبرد خیر و شر، آسمان و سپهر، قضا و قدر، بخت، اقبال و سرنوشت و مرگ موضوعاتی است که اغلب مورد توجه پژوهشگران بوده است و در این زمینه به خصوص درباره‌ی بحث جدال خیر و شر و سرنوشت و تقدير، تاکنون پایان نامه‌ها و مقاله‌های متعددی به انجام رسیده است. زروان خدای زمان و پدر خوبی و بدی است. نفوذ و رسوخ این اندیشه در ذهن و زندگی ایرانیان باستان چنان شکوهمند و بی پروا بوده است که پس از گذشت قرن‌ها و سال‌ها هنوز هم می‌توان در بسیاری از باورهای عامیانه‌ی مردم پی به نفوذ و تأثیر این اندیشه‌ها برد. پژوهش پیش رو به منظور ریشه‌یابی این موضوع فراهم آمده است و با بررسی بهمن نامه، کوشیده است با نگاهی دقیق بازتاب آموزه‌های یکی از باورها و آیین‌های کهن ایرانی را در این منظومه نشان دهد.

متون حماسی فارسی، بهترین منبع انعکاس اندیشه‌های زروانی در ادبیات فارسی است. در راستای شناخت آیین زروان، پژوهش‌های ارزشمندی صورت گرفته که می‌توان به زروان یا معماهی زرتشتی گری از آر. سی. زنر. آیین زروانی (تحلیل کهن‌ترین اسطوره ایرانی، زمان، مکان، جو و حرکت) از هاشم رضی. آیین زروانی، مکتب فلسفی - عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان از مسعود جلالی مقدم. جای پای زروان خدای بخت و تقدير از هوشنگ دولت آبادی و بسیاری از پژوهش‌ها در راه شناخت اساطیر و ادیان ایران باستان، اشاره کرد.

۱- آیین زروانی :

درباره واژه «زروان» در منابع مختلف آمده است: «زروان» واژه‌ای پهلوی است و

آن را ریشه‌ی واژه‌ی «زمان» می‌دانند. در اوستا Zrvāna به معنی زمان است و با واژه Rapithwina به معنی «نیم روز» برای تعیین هنگام ظهر آمده است. هم چنین واژه‌ی پارسی «زمان» (= ظهر عربی) را دگرگون شده‌ی واژه‌ی زروان می‌دانند.» (پاشنگ، ۱۳۷۸: ۶۲۷)

زروان (zurwān) در زبان پهلوی به معنی زمان و ایزد زمان است. در دانشنامه‌ی مزدیسنا در زیر این واژه آمده است: «زروان در اوستا به معنی زمان است که در برخی بندهای یسنا از آن یاد شده است. در سی روزه و برخی بخش‌های اوستا با صفات درغ (دیرودرنگ) و دراجه (دراز) و اکرن (بیکرانه) و درغوخواذات (زمان درنگ خدای) و یا جاودانی فناناًپذیر آمده است.» (اوشیدری، ۱۳۸۳: ۳۰۵)

به گفته‌ی نیرگ، خدایان زمان در بسیاری از دین‌های باستانی و فرهنگ‌های قدیم می‌شود و اغلب جایگاه بر جسته‌ای در جمع خدایان ندارد. «این‌ها بیشتر خدایان سرنوشت و خدایان مرگ هستند.» (نیرگ، ۱۳۵۹: ۳۸۰) اما در آیین زروانی این خدا جایگاه والا بی دارد. زمان، همواره در ذهن بشر مسئله‌ای پر اهمیت و مهم جلوه می‌کرده، بنابراین دور از ذهن نیست که از همان آغاز، بشر در پی یافتن ابتداء انتها (آغاز و انجام) زمان بوده باشد و حتی از او به عنوان خدای آفریدگار یاد کند.

از قدیمی ترین منابعی که درباره اندیشه تقدیرگرایی زروانی در دست است سنگ نوشته‌ی آنتیو خوس کماگنی است که در آن زمان بیکران (خرونوس آپیروس) تعیین کننده‌ی سرنوشت انسان است. مطابق آیین زروانی انسان محکوم تقدیری است که سپهر تعیین کرده است و حتی اهورامزدا و اهريم نیز در آن نقشی ندارند. در مینوی خرد نیز آمده است: «کار جهان همه به تقدیر و زمانه و بخت مقدر می‌رود که خود زروان فرمانروا و دیرنگ خدادست.» (تفصیلی، ۱۳۸۴: ۴۲) وجه مشخص زروان، یعنی زمان وجودی، خدای تقدیر است. سرنوشت جهان و تقدیر حاکم بر همه‌ی کاینات

از همین جنبه‌ی وجودی خدای زمان محقق می‌شود. به گفته‌ی مینوی خرد: «آن چه بر همه کس و همه چیز مسلط است، بخت است.» (همان)

زنر معتقد است که «مغان آسیای صغیر مذهبی را بسط دادند که از یک سو شامل بدعت‌هایی در دین زرتشتی بود و از سوی دیگر عناصری بابلی را در خود داشت و این همان است که مذهب زروانی نامیده شده است.» (زنر، ۱۳۷۵: ۴۳) کریستین سن، پیدایش دین زروان را متعلق به اوآخر عهد هخامنشی می‌داند و از اودموس رودیوس از شاگردان ارسسطو نقل می‌کند که: «در زمان هخامنشیان راجع به زروان اختلاف عقیده وجود داشت، گروهی او را خدای واحد قدیم مکان به اوستایی «ثواش» و گروهی آن را خدای زمان به پهلوی «زروان» می‌دانند.» (کریستین سن، ۱۳۸۴: ۱۲۹) زروان دو آفریده‌ی اصلی دارد: اهورامزدا از دانش زروان و اهرمن از غفلت او زاده شدند. زروان می‌خواهد آفریننده‌ی خیر و نیکی را خلق کند اما در کنار او آفریده‌ای خلق می‌شود که نابود کننده و دشمن خیر و نیکی است. «اهورامزدا حاصل دانش الهی است و اهریمن حاصل ناآگاهی متلازم با آن دانش. همان که در بندesh به بدآگاهی یا دوش آکاسیه^۱ و پس آگاهی یا پس دانشنه^۲ تعبیر شده است.» (زنر، ۱۳۷۵: ۲۲۵) اگرچه نمی‌توان از تأثیر اندیشه‌های بابلی و یونانی در فرهنگ ایرانی و اعتقاد به تأثیر صور فلکی، ثوابت و سیارات در سرنوشت آدمیان چشم پوشید اما از ارتباط و نسبت میان سپهر و زروان و اعتقاد به این که سپهر واسطه‌ی مشیت زروان در کاینات است؛ در متون کهن نیز سخن به میان آمده است. «سپهر آن است که نیکویی بخشد و خدایی و پادشاهی اوراست ... او را که بیش دهد سپهر نیکو و او را که کم دهد سپهر بد خوانند و این بخشن نیز به زمان است.» (بهار، ۱۳۶۹: ۱۱۱)

سپهر کنترل کننده‌ی سرنوشت انسان است چرا که از طریق آن تقدیر زروان به

1 - Dush ā kasīh

2 - pas-dānishnih

زمین می‌رسد. البته از این نکته نیز نمی‌توان گذشت که آسمان در عین این که تجسم زروان دیرند خدای است؛ آفریده یا صادری از وجود اهورامزدا نیز می‌باشد و به او تعلق دارد؛ و چون هر کجا اهورامزداست اهریمن نیز وجود دارد پس اهریمن نیز در جهان علوی نقش دارد. پس اهورامزدا و اهریمن هر دو پیمان کردند و کار را به دست فلک دادند.

ساموئل نیبرگ در کتاب خود «دین‌های ایران باستان» می‌نویسد: پیوند نزدیک زروان با برج‌های آسمان و سال و فرمانروایی دیرپایی، ناگزیر فرضیات و محاسباتی درباره‌ی یک «سال جهانی» برانگیخت. هر یک از برج‌ها نماینده یک هزار سال است. همه‌ی عمر جهان ۱۲۰۰ سال است، یعنی یک ائون^۱ که زمان و دوره‌ی فرمانروایی زروان است. ظاهرا این محاسبات در زمانی بسیار دور پدید آمده بوده است. دایره‌ی فرهنگی بابلی با پیشگویی‌های ستاره‌شناسانش به اندازه‌ی کافی نزدیک بود. از سوی دیگر این قوانین عمر جهان، افسانه‌ی یک دست ابتدایی است و دیگر نیازی به بررسی‌های ستاره‌شناسی نیست؛ به گونه‌ای که هر انسان ابتدایی می‌تواند آن را به کار گیرد. گویا اعتقادهایی درباره‌ی پایان جهان به این سال جهانی بسی زود پیوسته شده بوده است. «مطمئناً آن محاسبات از نظر خاستگاه بیرون و پیش از دین زرتشتی است، اما این موضوع که بر پایه‌ی قوانین دوره‌های زمانی، چنان که به نظر می‌رسد، قوانین عمر جهانی ویژه‌ی زرتشتی غربی پدید آمد که پایان جهان را به نه هزار سال ثابت قرار داد، چیز دیگری است.» (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۳۸۷) به گفته‌ی ازنيک کلبي، زروان به معنای سرنوشت (بخت) یا درخشش نیرو بوده است. او در پاسخ به این سوال که بخت چیست از قول مغان می‌گوید: «بخت جوهری مجزا از زروان نیست بلکه همان کامیابی اوست.» (جالالی مقدم، ۱۳۸۴: ۱۶۶) وجه مشخص زروان، یعنی زمان

وجودی، خدای تقدیر است.

آسمان دارای ارزش‌های اساطیری بسیاری است که در روایت‌های اقوام و ملل گوناگون نمودها و نمونه‌های زیادی از آن یافت می‌شود. چنان که در تاریخ ادیان، آسمان از مهم‌ترین تجلیات قداست و سرشار از ارزش‌های «اساطیری مذهبی و حوزه‌ی اقتدار الهی است و به اقتضای ارتفاع بی‌انتهای خود اقامتگاه خدایان و برانگیزندۀ تجربه مذهبی در وجودان انسان ابتدایی بوده است.» (زمردی، ۱۳۸۲: ۱۱) چنان که در «روایت پهلوی» می‌بینیم که هرمزد، نخست آسمان را آفرید و خود نیز با آفریدگانش در آن ساکن شد. و به گفته‌ی بندھشن، آسمان «مینوی آسمان است که او را چون گوردنی (= جامه پشمین) بر تن دارد، او این آسمان را نگاه همی دارد تا اهربیمن را باز تاختن نهلهد. ایزد آسمان وظیفه‌ی دشوار زندانی ساختن اهربیمن و دیوان را دارد.» (عفیفی، ۱۳۷۴: ۴۲۰) در آین زروانی، آسمان رابطه‌ی تنگاتنگی با زروان و بخت و سرنوشت دارد.

یکی از حمامه‌های اواخر قرن پنجم یا اوایل قرن ششم هجری، که چه از نظر موضوع و چه از نظر زبان دارای اهمیت خاصی می‌باشد، «بهمن نامه» یا «خبر بهمن» است. بهمن نامه، منظومه‌ای است حمامی به بحر متقارب مثمن محدود یا مقصور در باره‌ی زندگی بهمن پسر اسفندیار پادشاه کیانی و جنگ‌های او با خاندان رستم. صاحب مجلل التواریخ و القصص آن جا که از گردآوری تاریخ شاهان عجم سخن می‌گوید، یکی از کتاب‌هایی را که از آن استفاده کرده، اخبار بهمن یاد می‌کند و در جای دیگر، زمان مرگ زال را که در روزگار دارا صورت گرفته، در هیچ کتاب دیگر نمی‌بیند جز بهمن نامه. (بهار، ۱۳۱۸: ۵۶) این کتاب اگر چه منسوب است به نام بهمن پسر اسفندیار و داستان‌های او اما در حقیقت باید آن را داستان سلسله‌ی پهلوانان سیستان دانست زیرا قسمت اغلب آن راجع به سرگذشت خاندان رستم است. در این

منظومه به صورت ویژه از پهلوانی‌های بانوگشیپ، دختر رستم سخن رفته است. به گفته‌ی صاحب مجلل التواریخ، سراینده‌ی این منظومه ایرانشاه بن ابوالخیر است. وی در این باره می‌گوید: «اندر عهد دارا، در این روزگار زال بمرد و در هیچ کتاب این ذکر نیافتم مگر در بهمن نامه، آن نسخه که حکیم ایرانشاه (ایرانشاه) ابن ابی الخیر نظم کرده است». (صفا، ۱۳۸۴: ۲۸۹) رضاقلی خان هدایت در مجمع الفصحاء، سراینده‌ی بهمن نامه را جمالی مهریجردی یاد کرده و چنین آورده است: «... بهمن نامه نیز مثنوی است به وزن تقارب با اشعار خوب و دیباچه‌ی آن و دیباچه‌ی گرشاسب نامه مانند یکدیگر است و گویند جمالی مهریجردی ناظم آن است یا حکیم آذری، غیر معروف است. اما در تاریخ فرشته دیده شده که نوشته: حکیم آذری صاحب بهمن نامه، و بهمن نامه را به حکیم آذری نسبت داده و تحقیق آن است که شیخ آذری طوسی معاصر احمد شاه بهمنی در هندوستان بوده و فتوحات سلاطین بهمنی را نظم کرده به نام احمد شاه بهمنی و بهمن نامه خوانده». (هدایت، ج ۱: ۱۱۰)

داستان زندگی بهمن پادشاه کیانی که از نوشه‌های کهن به شعر فارسی سروده شده است، صورت و خصوصیات یک حماسه‌ی ملی را در بر دارد. اهمیت این منظومه بیشتر از نظر زبان فارسی و زنده نگهداشتمن یکی از داستان‌های ایران باستان است که مأخذ آن غیر از مأخذ شاهنامه فردوسی و نوشه‌های تاریخی است. تأثیر جنبش فارسی گفتن و نوشتمن که از دو قرن پیش از سروdon این منظومه به راه افتاده بود، در این منظومه به خوبی آشکار است؛ به طوری که در حدود ده هزار بیت این مجموعه بیش از حدود سیصد واژه‌ی غیر فارسی آن هم واژه‌های بسیار ساده، به کار نرفته است. این خود بهترین گواه است که گوینده‌ی این داستان با آن که فردی مسلمان و پاییند به اعتقادات اسلامی بوده است، به ملیت و زبان خود دلبستگی فراوان داشته و توانسته است با زنده کردن یکی از داستانهای کهن و به کار گرفتن واژه‌های فارسی در قالب

زبانی شیرین و پرورده یادبودی از خود به جای گذارد و به گفته‌ی ژول مول: «زبان نگهدار یادبود هاست و به ملت‌ها روح ملی و میهنه‌ی می‌بخشد.» (ایرانشاه، ۱۳۷۰: ۲۲)

۲- مقدرات آسمانی در بهمن نامه

ستارگان و اجرام سماوی رابطه‌ی تنگاتنگی با آسمان دارند. آسمان نماد پیچیده‌ای از نظم کیهان است و با حرکت دورانی و منظم ستارگان آشکار می‌شود. پس ستارگان با دو ویژگی آسمان یعنی تعالی و تأثیر گذار بودن، مشترک هستند با تفاوتی اندک و آن وجود نظم است که در عملکرد و اجرام آسمانی وجود دارد. گویی این اجرام از نیرویی مافوق طبیعی فرمان می‌برند.

ستارگان در اعتقاد پیشینیان عاملان موثری بودند که با حرکت طبقات آسمان حرکت می‌کردند. در عهد باستان، ستارگان دارای مرتبه‌ی خدایی بودند و به این دلیل مورد تقدس و ستایش قرار می‌گرفتند. ستارگان به یاری حرکت برج‌های آسمانی، سرنوشت مقدر شده را تعیین می‌کنند و اراده‌ی زروان را تحقق می‌بخشند. از این روی توجه به ستارگان و یا به طور کلی اجرام آسمانی، همواره یکی از مهم ترین مسایل فکری بشر بوده است. در آین زروانی ستارگان به دو دسته‌ی خوب و بد تقسیم می‌شوند و متناسب با این صفت‌ها عمل می‌کنند. گروهی یاران هرمزاند و کار تعیین سرنوشت خوب را به عهده دارند و در مقابل گروهی یاوران اهریمن اند که کارشان ویرانی و نابودی و تباہی عالم هستی است. آسمان و مظاهر آن در طول تاریخ، همواره مورد توجه شاعران و نویسنده‌گان بسیاری قرار گرفته است.

در گذشته و شاید هم اکنون نیز اعتقاد به این بوده که هر فردی، صاحب ستاره‌ای است. اعتقاد به نیکی و بدی روزها و تأثیر ستارگان در جهان و سرنوشت اشخاص در فرهنگ ایرانیان باستان جایگاه ویژه‌ای داشته است. ستاره‌شناسی و علم نجوم یکی از مهم ترین دانش‌ها به حساب می‌آمد. از آن جا که در آین زروانی، توجه ویژه‌ای

به آسمان و حرکت ستاره‌ها می‌شد، پس علم نجوم نیز همواره مورد توجه و از دانش‌های مهم درباری به شمار می‌آمد. ستاره‌شناسی بخشی از دانسته‌های موبدان و ستاره‌شناسان بود و همه‌ی شاهان ایران در دربار خود از ستاره‌شناسان جهت بازگویی آن چه در آینده رخ خواهد داد، استفاده می‌کرده‌اند. دیگر طبقه‌های مردم نیز همواره در انجام امور به سراغ این ستاره‌شناسان می‌رفتند و آینده خود را از حرکت افلاک باز می‌جستند.

اعتقاد به افلاک، اعتقاد به سعد و نحس ایام و تأثیر گذاری آسمان و ستارگان بر سرنوشت آدمی موجب گردیده از دیرباز انسان‌ها روی به دیدن زایچه و پیشگویی حوادث آینده بیاورند. این پیشگویی‌ها بن مایه‌ی زروانی دارد. بن مایه‌هایی که در متون فارسی انعکاس یافته است.

بهمن نامه، صحنه نمایش راز تقدیر و سرنوشت است. آسمان با مظاهرش در بهمن نامه نمود و ظهر بسیاری دارد. چرخ و روزگار در این جا جلوه‌ی خاصی دارند. کار سپهر و رازی که در آن نهفته است، سرنوشت افراد را رقم می‌زند؛ سرنوشتی که گاه روشن و امید بخش است و گاه همراه با فال و بخت بد است. اعتقاد به حرکت آسمان و ستارگان، خواست و رأی یزدان است و در برابر آن تنها باید تسلیم شد و سر فرود آورد. اختر و بخت واژه‌هایی هستند که تقدیر و سرنوشت را در بهمن نامه، نمایان می‌سازند.

اختر:

بدو گفت فرزانه کای شهریار به تو کرد روی اختر روزگار
ابوالخیر، ۱۳۷۰: ۱۵۲

تو برگو کدام است گوهر ترا که در تیرگی رفت اختر ترا
همان: ۲۸۴

بترسیدم از بخت و ز روز شور که ماییم در دست و پای ستور

همان: ۲۶۲

بخت:

ترا بخت فرخ در آمد ز خواب ز فرمان شاه جهان سرمتاب

همان: ۳۱

یکی بازگویی که نام تو چیست

کزین پس به بخت بباید گریست

همان: ۱۵۲

بدو گفت فردا به هنگام بام

به بخت تو دشمن در آید به دام

همان: ۲۳۴

بخت بیدار:

وز آن جا به شهر اندر آمد سپاه

به رامش نشسته به روز و به شب

فرامرز با شادی و دستگاه

دل و بخت بیدار و خندان دو لب

همان: ۲۳۷

همه نامداران فرختنده بخت

سراسر نشستند در زیر تخت

همان: ۵۵۰

بخت خوب، گشاينده مشکلات:

یکی آزمایش کنم با سپاه

مگر بخت بگشاید این بسته راه

همان: ۵۱۸

به کاری که داری به پیش اندرورن

ترا بخت باشد بدان رهنمون

همان: ۵۱۰

دهد بخت ما را مگر کام بهر

به دست آوریم آن گرانمایه شهر

همان: ۲۴۲

اگر کبک را بخت چیر آورد عقاب دلاور به زیر آورد

همان: ۳۶۲

کیان شیر گرزی فروهشت زود ولیکن ورا بخت یاور نبود

همان: ۵۷۳

فال بد در معنی بخت بد:

چنین داد پاسخ که این فال بد ز دانده مردم همی چون سزد

همان: ۲۲۹

این بخت که سراسر زندگی را تحت سلطه و سیطره‌ی خود گرفته است، اگر با انسان همراهی نکند و به وی روی خوش نشان ندهد، سراسر بدی و بخت برگشتگی است. بخت بد اغلب با عنوان بخت وارونه، بخت کور، بخت کوژ، بخت تیره و شور و خفته معرفی می‌شود. این نوع بخت، سوربختی است و عذاب.

شوربختی:

مرا او فتادست این کار سخت مبادا چو من مردم شور بخت

ابوالخیر، ۱۳۷۰: ۱۶۱

فرستاده را گفت کز بخت شور به دامان در آید دگرباره گور

همان: ۴۸۰

بدو گفت کای بدرگ شور بخت نزیید همی مر تو را تاج و تخت

همان: ۳۹۲

بخت تیره و خفته:

ندارد کنون سود گفتار من که شد خفته این بخت بیدار من

همان: ۲۹۳

فصل نامه‌های تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی

یکی خواب دیدم نکوهیده سخت هماناکه خواهد شدن تیره بخت

همان: ۴۴۲

بخت کوژ:

کنون آگهی آمد این چند روز ز بزین کجا بخت او گشت کوژ

همان: ۵۱۳

بننی که بخت تو برگشت کوژ همی با زمانه سیزی هنوز

همان: ۱۳۰

بخت وارونه:

مرا بخت وارونه آمد به فال که شد پیشست آن سگ بدستگال

همان: ۱۴۶

بخت کور:

کرا روز وارون شد و بخت کور سرش گوی شد زیر پای ستور

همان: ۱۷۱

بخت برگشتن:

به نومیدی اندر چو کوشش نمود چو برگشته شد بخت کوشش چه سود

همان: ۳۳۷

۱-۲- بخت و سرنوشت :

سپهر یا تن زروان در ادبیات پهلوی چون چرخی فرض شده است و دارای صفت‌هایی چون فلک گردان، چرخ گردان و در ادب فارسی نیز بازمانده‌ی اعتقاد به چرخنده بودن آسمان می‌باشد. معلق بودن و جنبش و گردش آسمان و افلاک باعث به وجود آمدن این باور کهن گردیده که سرنوشت آدمی به واسطه‌ی چرخش

طبقات آسمان به وجود می‌آید. گردش آسمان و تأثیری که بر روی سرنوشت آدمیان می‌گذارد با عنوان گردش روزگار خوانده شده، گردشی که در آن هیچ توقف و درنگی نیست. خوبی و بدی از آن بر سر انسان‌ها می‌بارد و آنان نیز در برابر آن چاره‌ای جز پذیرفتن ندارند. این همان مسأله‌ی جبر و بی اختیاری در برابر سرنوشت است. کسی از خواسته و راز سپهر آگاهی ندارد، زیرا سرنوشت هر کس در اختیار زروان است و تنها زروان بر آن واقف است. مطابق آیین زروانی انسان محکوم تقدیری است که سپهر تعیین کرده است و حتی اهورامزدا و اهریمن نیز در آن نقشی ندارند. در مینوی خرد نیز آمده است: «کار جهان همه به تقدیر و زمانه و بخت مقدر می‌رود که خود زروان فرمانروای دیرنگ خدادست.» (تفضلی، ۱۳۸۴: ۴۲)

از مهمترین ویژگی زروانی سپهر، باید به تقسیم کنندگی بخت و سرنوشت اشاره کرد. زروان، خوبی و بدی را بدون هیچ دریغی بر انسان فرو می‌آورد، گاه از در لطف و محبت وارد می‌شود و گاه زهر تلخ بلا و مصیبت را بر آدمی می‌چشاند. سرنوشت و تقدیر آن چیزی است که خداوند اندیشیده، رأی و خواسته‌ی اوست. در برابر این خواست، چه خوب و چه بد، راه مقابله و گریز نیست و تنها باید این قضا و سرنوشت را پذیرفت. در بهمن نامه، واژه‌ی «بخش» و «بخشش» این سر سپردگی را بیشتر نمایان می‌کند.

بخش و بخشش:

سراز گفتای گرانمایه باب	تو گر خواه کژ رو و گر خواه راست	نباشد جز آن کافریینده خواست
سر از بخش گردون گردان متاب	همان: ۲۲۴	همان: ۱۶۰

دل شاه شد تنگ و آن گاه گفت سر از بخشش چرخ نتوان نهفت
همان: ۲۴۱

رأی و خواسته‌ی چرخ و گنبد:

تو شاهی کنون پیش دستی نمای بینیم تا چرخ را چیست رای
۳۲۸ همان

مرا این که پیش آمد از رنج و درد ندیدم جز از گند لاجورد همان: ۱۵۶

اعتقاد به تأثیر سپهر و کار گردون، همان تقدیر است. تقدیری که همه آن را بذک ندهاند.

سپهر و چرخ در معنی تقدیر:

چنین داد پاسخ که چون کار بود
ترا سرزنش بر سرمن چه سود
ز کار بد چرخ نتوان گریز
و گر بر سرآری بسی رستخیز
همان: ۲۳۶

سر پول بگرفت آن ماه چهار فرمانده خیره ز کار سپهر همان: ۳۱۰

چنین است کار جهانی پسر
بدین داستان دریادر در نگر
چوناید بدان سان که خواهی تو کار
بدین و بدان روزگارش سپار
همان: ۵۷۳

خواست خدای:

نرفتیم ما و فشیدیم پای
نباشد بجز آن که خواهد خدای
همان: ۲۶۲

بباشیم یک چند پیشت نهان بدان تا چه خواهد خدای جهان

همان: ۳۷۷

تو گر رزم را آمدستی مپای بیینیم تا خود چه خواهد خدای

همان: ۵۰۰

نکوشید با خواست یزدان کسی که اندر خرد مایه دارد بسی

همان: ۵۳۱

ز کاری که باید که آری به جای نباشد همی تا نخواهد خدای

همان: ۵۷۱

۲-۲- ستارگان :

توجه به ستارگان و تأثیر قدرت آنان در سرنوشت انسانها از جمله موارد قابل توجه در آیین زروانی است. در آیین زروانی ستارگان به دو دسته‌ی خوب و بد تقسیم می‌شوند و متناسب با این صفت‌ها عمل می‌کنند. گروهی دست نشانده‌ی هرمز اند و سرنوشت خوب را رقم می‌زنند و در مقابل گروه دیگر دست نشانده‌ی اهریمن اند و کار شان تباھی و ویرانی عالم و اخلاق در کار انسان است. با توجه به اهمیت ستارگان در این آیین، علم نجوم و ستاره‌شناسی نیز از ویژگی‌های خاص این آیین به حساب می‌آید. در متون حمامی به این خاصیت بسیار توجه شده، چنان که در بهمن نامه شاهان و قدرتمندان از شخصیت‌های مثبت گرفته تا منفی به هنگام انجام کاری و یا گرفتن تصمیمی از جنگ گرفته تا ازدواج، ابتدا به کمک طالع بینان و ستاره شماران در پی آن هستند که به وسیله پیشگویی از پایان و سرانجام کارها آگاه شوند. در این میان شاعر از واژه‌های طالع بینی، اختر و ستاره شمری برای رسیدن به مقصود استفاده کرده است.

توجه ویژه به آسمان و افلاک، ستاره‌شناسی و طالع بینی را به دنبال دارد. افرادی با عنوان ستاره‌شناس یا اختر شمار در دربار پادشاهان حضور دارند که کارشان اختر بینی و پیش بینی حال و روز افراد است. اینان با دیدن حال و گردش اختران، زمان مناسب جنگ و کار و حتی طول عمر را می‌سنجند و پیش بینی می‌کنند. تمامی کارها بر اساس پیش بین این افراد صورت می‌پذیرد.

ستاره شناسان و طالع سنان به سر اخت را می بینند:

نگه کن یکی در شمار و سپهر
بیین تا کجا باشد آن دیو چهر
چو جاماسب در اختران بنگرید
نشان فرامرز جایی ندید

نگاه در چرخ و دیدن حال ستارگان:

بـدو گفت کـز چـرخ گـردان بـین
کـه مـهر آـورد پـیش اـر خـشم وـ کـین
کـه شـاهـا نـیارـم هـمـی یـاد کـرد
چـنـین پـاسـخـش دـاد فـرـزانـه مـرـد
همـان: ۲۴۱

<p>که یک ره نگه کن درین چرخ دیر</p> <p>به کین گشت خواهد همی یا به مهر</p> <p>دهد داد تو هور گیتی فروز</p> <p>ز فر تو پیروز جنگ آوران</p> <p>نه از تو که هستی ستاره شناس</p>	<p>ز فرزانه پرسید شاه دلیر</p> <p>بیین تا چه خواهد نمودن به چهر</p> <p>چنین گفت کامروز تانیمروز</p> <p>به کام تو گردند این اختران</p> <p>بلدو گفت بهمن که یزدان سپاس</p>
---	--

بیامد دگر روز اختر گرفت ز گردون شماری به نو در گرفت
همان: ۵۹۲

یکی از مهمترین موضوع‌های زروانی، توجه به ستارگان و تأثیرات آنان بر روی سرنوشت و بخت و اقبال آدمی می‌باشد. زیر از زروان خدای آفریننده ستارگان است و خواست و اراده‌ی خود را از طریق ستارگان نمایان می‌سازد. بر اثر اعتقاد به جبر در آیین زروانی، ستارگان نقش مهم و موثری در تعیین بخت و باورهای مردم دارند. توجه به خدای آفریننده ستارگان و همچنین سوگند خوردن به آن‌ها نشان از تقدس ستارگان و اهمیت آنان دارد. اهمیت ستارگان در زندگی باعث می‌گردد تا به نامشان سوگند یاد شود.

یکی نامه فرمود بهمن به صور به نام خداوند خورشید و نور همان: ۳۴۹

خداوند کیهان و ناهید و ماه خداوند پیروزی و دستگاه همان: ۳۹۴

یکی نامه کرد او به نزدیک تور به نام خداوند خورشید و نور

۲-۳- روزگار:

روزگار پر کاربرد ترین واژه برای بیان بخت و تقدیر در بهمن نامه است. این روزگار همان بخت و سرنوشتی است که گاه بد و سخت است. تقدیری است که با آن دید جبرگرایانه تنها باید منتظر رسیدنش بود و آن را چه خوب و چه بد، پذیرفت. روزگار هر بازی که بخواهد با ما شروع می‌کند و به پایان می‌رساند.

روزگار در معنی بخت و تقدیر:

ندانم چه خواهد همی کردگار چه پیش آورد گردش روزگار همان: ۱۹۳

یکی هوشیارم نه من خفته ام ولیکن ز یزدان پذیرفته ام

که کاری که پیش آورد روزگار نگیرم به خود کامگی پیش کار

همان: ۳۸۳

مگر داور داد پروردگار سر آرد به ما بر بد روزگار

همان: ۳۹۴

به بندش همی دار تا روزگار چگونه نماید به ما روی کار

همان: ۴۳۱

چه بازی نماید همی روزگار که روبه کند شیر شرژه شکار

همان: ۵۷۶

نتیجه :

زروان یا زمان در آیین ایرانی تاریخی مبهم و طولانی دارد. در لوحه‌های بابلی مربوط به قرن پانزدهم پیش از میلاد از ایزدی به نام زروان سخن رفته است. در اوستا نیز به اختصار از این ایزد یاد شده و در متون پهلوی هم درباره‌ی آن سخن رفته است. زروان در اصل فرشته زمان است و با صفت آکرانه (بیکرانه) از او یاد شده است. متون حمامی فارسی بهترین منبع انکاس اندیشه زروانی در ادبیات فارسی است. از این میان، متن‌هایی که مربوط و در بردارنده‌ی مطالب تاریخی و اسطوره‌ای هستند، پیش از دیگر متن‌ها اندیشه‌های زروانی را در خود نهفته دارند.

ستارگان یا اجرام سماوی رابطه‌ی تنگاتنگی با آسمان دارند. در عهد باستان ستارگان دارای مرتبه‌ی خدایی بودند و از آن جهت مورد تقدس و ستایش قرار می‌گرفتند. ستارگان به یاری حرکت برج‌های آسمانی سرنوشت مقدر شده را تعیین می‌کنند و اراده‌ی زروان را تحقق می‌بخشند. در آیین زروانی ستارگان به دو دسته‌ی خوب و بد تقسیم می‌شدند و متناسب با این صفت‌ها عمل می‌کردند.

بهمن نامه از جمله آثاری است که خواسته یا ناخواسته تحت تأثیر باورهای

زروانی رایج در زمان خود قرار گرفته است. در این منظومه توجه ویژه‌ای به بحث ستارگان و آسمان می‌شود. ستارگان از چنان جایگاه مقدس و بالایی برخوردارند که به نامشان سوگند یاد می‌شود. اهمیت ستارگان موجب می‌گردد تا علم نجوم و ستاره‌شناسی نیز مورد توجه قرار گیرد و طالع بینی و ستاره‌شناسی با آن جایگاه و اهمیت خاص در بهمن نامه منعکس شود.

حرکت ستارگان و گردش آسمان، سرنوشت و بخت و تقدیر را به دنبال دارد. سرنوشتی که زروان آن را با حرکت ستارگان رقم می‌زند و برای انسان در نظر می‌گیرد. این سرنوشت خواسته‌ی زروان است و از آن راه گریزی نیست و هیچ تدبیری در برابر آن چاره ساز نیست. این سرنوشت گاه خوب است و گاه بد. بخت و تقدیری که در بهمن نامه از آن نام برده می‌شود اغلب بختی نا موفق است که با واژه‌ای چون بخت بد، بخت وارونه، بخت کوثر، بخت خفته و بخت شور نشان داده شده است.

حال که این زروان است که سرنوشت را تعیین می‌کند و چاره‌ای از پذیرش آن نیست، دید جبرگرایانه‌ای را ایجاد می‌کند که در برابر خواست زروان نمی‌توان مقاومت کرد. در بهمن نامه، روزگار، واژه‌ی آشنازی برای بیان این سرنوشت محتوم است. واژه بخش نو بخشش، نیز میزان این جبرگرایی را نمودار می‌سازد. به طور کلی باید چنین نتیجه گرفت که آسمان و ستارگان با حرکت خود سرنوشت را تعیین می‌کنند و این جلوه‌ی وجودی زروان به خوبی در بهمن نامه منعکس شده و شاعر تحت تأثیر اندیشه‌های زروانی قرار داشته است.

منابع:

۱۳. نیبرگ، هنریک ساموئل. (۱۳۵۹). ترجمه سیف الدین نجم آبادی. دین های ایران باستان. تهران. مرکز ایرانشاه، ابوالخیر (۱۳۷۰). بهمن نامه. به کوشش رحیم عفیفی. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۴. هدایت، رضا قلی خان (بی‌تا) مجمع الفصحا. جلد اول. چاپ سنتگی. (بی‌جا).

۱۵. کریستین سن، آرتور. (۱۳۸۴) ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. تهران. سیر.

۱۶. عفیفی، رحیم (۱۳۷۴) اساطیر و فرهنگ ایران در نوشه های پهلوی. تهران. توس.

۱۷. زمردی، حمیرا (۱۳۸۲). نقد تطبیقی ادیان و اساطیر در شاه نامه فردوسی، خمسه نظامی و منطق الطیر. تهران. زوار.

۱۸. زنر، آر.سی. (۱۳۷۵). زروان یا معمای زرتشتی گری، ترجمه تیمور قادری. تهران. امیرکبیر.

۱۹. صفا، ذیع الله. (۱۳۸۴). حماسه سرایی در ایران. تهران. امیرکبیر.

۲۰. کریستین سن، آرتور. (۱۳۸۴) ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. تهران. سیر.

۲۱. کریستین سن، آرتور. (۱۳۸۴) ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. تهران. سیر.

۲۲. زنر، آر.سی. (۱۳۷۵). زروان یا معمای زرتشتی گری، ترجمه تیمور قادری. تهران. امیرکبیر.

۲۳. بهار، مهرداد. (۱۳۶۹) فربنگ دادگی. بندesh. تهران. توس.

۲۴. بهار، محمد تقی ملک الشعرا. (۱۳۱۸) مجمل التواریخ و القصص. تهران.

۲۵. پاشنگ، مصطفی. (۱۳۷۸) فرهنگ پارسی و ریشه یابی واژگان. تهران. محور.

۲۶. تفضلی، احمد. (۱۳۸۴) مینوی خرد. تهران. توس.

۲۷. جلالی مقدم، مسعود. (۱۳۸۴) آیین زروانی، مکتب فلسفی - عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان. تهران. امیرکبیر.

۲۸. زمردی، حمیرا (۱۳۸۲). نقد تطبیقی ادیان و اساطیر در شاه نامه فردوسی، خمسه نظامی و منطق الطیر. تهران. زوار.

۲۹. زنر، آر.سی. (۱۳۷۵). زروان یا معمای زرتشتی گری، ترجمه تیمور قادری. تهران. امیرکبیر.

۳۰. اوشیدری، جهانگیر (۱۳۸۳). دانش نامه‌ی مزدیستنا و اژده نامه توصیفی آیین زرتشت. تهران. مرکز.